

ترجمہ

جواهر الکلام

تجارت

جلد دوم

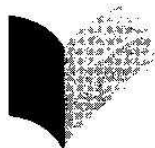
تألیف استاد فقہا شیخ محمد حسن نجفی

ترجمہ، شرح و توضیح:

دکتر اکبر نایب زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

سرشناسه	: صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر ۱۲۰۰ - ۱۲۶۶ ق.
عنوان قراردادی	: جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. فارسی - عربی. برگزیده. شرح.
عنوان و نام پدیدآور	: ترجمه جواهرالکلام: تجارت / مؤلف محمدحسن نجفی: ترجمه و شرح و توضیح اکبر نایب‌زاد.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۹۳ -
مشخصات ظاهری	: ج. ۳
شابک	: دوره: 978-600-114-293-2 ج. ۲: 978-600-114-291-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: ج. ۲ و ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیبا).
یادداشت	: کتاب حاضر ترجمه و شرح بخش تجارت از کتاب «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» تألیف محقق حلی است.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲-۶۷۶ ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام - - نقد و تفسیر
موضوع	: فقه جعفری - - قرن ۷ ق. و قانون تجارت (فقه)
شناسه افزوده	: نایب‌زاده، اکبر، ۱۳۲۴ - مترجم
شناسه افزوده	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲-۶۷۶ ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. برگزیده. شرح
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۴۰۴۲۳۶۷ ش ۳/م ۳/۱۸۲ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۲۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۵۲۸۰۴



انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و مجموعه قوانین

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین

پایین تر از خیابان لبافی نژاد، کوچه مینا، پلاک ۲۰

تلفن: ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵ - ۶۶۴۹۰۵۸۴

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

ترجمه جواهرالکلام: تجارت (جلد ۲)

تألیف استاد فقها شیخ محمد حسن نجفی

ترجمه، شرح و توضیح: دکتر اکبر نایب‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۳ - شمارگان: ۵۰۰ جلد

صفحه‌آرایی: الهام پیدایی

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-291-8

شابک: ۹۷۸۶۰۰-۱۱۴-۲۹۱۸

فهرست

- ۱- فصل دوم
- ۲- عقد بیع و شروط و آداب آن ۲۱
- ۳- تعریف بیع ۲۱
- ۴- تعریف کرکی از بیع ۲۲
- ۵- تعریف ابن حمزه و علامه از بیع ۲۲
- ۶- تعریف محقق و شهید و فاضل مقداد ۲۳
- ۷- خلاصه تعریف بیع در سه تعریف ۲۳
- ۸- بیع حقیقت شرعی ندارد ۲۴
- ۹- بیع مانند القاط سایر معاملات است ۲۴
- ۱۰- تعریف جامع و مانعی برای بیع پیدا نکردم ۲۵
- ۱۱- تعریف بیع برای اعم از صحیح و فاسد است ۲۵
- ۱۲- منظور از تعریف فقها شرح الاسم است ۲۶
- ۱۳- بهترین تعریف، تعریف حلبی و کرکی است ۲۶
- ۱۴- هر دو تعریف مزبور مستلزم دور است ۲۷
- ۱۵- مختصرترین تعریف از بحرالعلوم ۲۷
- ۱۶- در انتخاب یکی از سه تعریف گذشته ۲۸
- ۱۷- ظاهراً تعریف بیع به «نقل» صحیح است ۲۸
- ۱۸- استدلال بر این که بیع «نقل» است ۲۹
- ۱۹- این که نکاح «نقل» نیست ایرادی ندارد ۳۰
- ۲۰- برگرداندن تعاریف دیگر به تعریف مقبول ۳۱
- ۲۱- به کار بردن مجاز لفظی در تعریف ایرادی ندارد ۳۱

- ۲۲- اختلاف در تعریف بیع اختلاف در اقسام بیع است ۳۲
- ۲۳- همانطوری که کار فروشنده بیع است کار خریدار هم بیع است ۳۲
- ۲۴- کاربردهای مختلف بیع در لغت ۳۳
- ۲۵- مبیع باید عین بوده باشد ۳۴
- ۲۶- ثمن ممکن است عین و غیر عین باشد ۳۵
- ۲۷- عقود لازم باید با لفظ انشاء شود ۳۶
- ۲۸- برای بیع معاطات کافی نیست ۳۷
- ۲۹- شیخ مفید و کاشانی کافی می‌دانند ۳۸
- ۳۰- کلام شیخ مفید گویای آن نیست ۳۹
- ۳۱- شیخ مفید برای بیع الفاظ مخصوصی را لازم می‌دانست ۴۰
- ۳۲- در بیع لفظ مخصوص لازم نیست ۴۱
- ۳۳- نقل کلام محدث بحرانی و انتقاد از آن ۴۲
- ۳۴- آیا الفاظ در عقود شرط لزوم است یا نه ۴۴
- ۳۵- کرکی گفته الفاظ شرط لزوم است ۴۵
- ۳۶- معاطات مفید ملک جایز است ۴۶
- ۳۷- با تلف یکی از عوضین معاطات لازم می‌شود ۴۷
- ۳۸- فقها با کرکی موافق نیستند ۴۹
- ۳۹- نقل اقوال فقهاء ۵۰
- ۴۰- معاطات فقط مفید اباحه است ۵۱
- ۴۱- اباحه معاطات، اباحه بدون تملک است ۵۳
- ۴۲- کلام حلال می‌کند و کلام حرام می‌کند ۵۴
- ۴۳- معاطات چند صورت دارد ۵۶
- ۴۴- صورت اول: قصد اباحه ۵۶
- ۴۵- صورت دوم: مقصودشان بیع است ۵۷

- ۴۶- اجماع بر خلاف این صورت است ۵۸
- ۴۷- ادله صحت بیع شامل این قسم معاطات نیست ۵۹
- ۴۸- استدلال و رد آن برای صحت این قسم ۶۱
- ۴۹- مفید اباحه بودن این صورت از معاطات ۶۶
- ۵۰- انکار بدیهی و مخالفت با اصول و قواعد است ۶۷
- ۵۱- مخالفت با قاعده العقود تابعة للقصد ۶۷
- ۵۲- مخالفت با قاعده تعلق خمس و زکات و غیره ۶۸
- ۵۳- تلف قهری موجب تملک می شود ۶۹
- ۵۴- تصرف کننده هم موجب وهم قابل می شود ۷۰
- ۵۵- مخالف کلام قد است ۷۱
- ۵۶- در صورت نخست لازم نیست معوضین معلوم باشند ۷۴
- ۵۷- خیار عیب و غبن در آن جاری است ۷۵
- ۵۸- صورت سوم معاطات: بدون قصد بیع و اباحه ۷۶
- ۵۹- صورت چهارم: ملک مطلق را قصد کنند ۷۷
- ۶۰- برخی آن را بیع می دانند ۷۸
- ۶۱- برخی گفته اند معاطات همیشه مفید ملک است ۷۹
- ۶۲- معاطات به جای سایر عقود ۸۰
- ۶۳- سیره قطعی مشرعه را می پذیریم ۸۲
- ۶۴- بحث این که با تلف شدن عوض معاطات لازم می شود ۸۳
- ۶۵- نقل اقوال فقها صورت های مختلف تلف ۸۵
- ۶۶- تلف عوض در صورت های مختلف معاطات مختلف است ۸۷
- ۶۷- منظور فقها از ملک در معاطات ۸۸
- ۶۸- تلف یکی از عوضین ۸۹
- ۶۹- تصرفات ناقل چه لازم وجه جایز ۹۱

- ۷۰- منافع حاصله در معاطات در صورت نخست ۹۲
- ۷۱- منافع در صورت دوم ۹۲
- ۷۲- این صورت مفید ملک جایز است ۹۳
- ۷۳- صورت دوم قبل از کرکی شناخته شده نبود ۹۵
- ۷۴- برخی گفته‌اند تزلزل ملک معاطات با عقد جایز فرق دارد ۹۶
- ۷۵- نقل کلام کاشف الغطاء ۹۷
- ۷۶- رد کلام ایشان ۹۹
- ۷۷- استصحاب مالکیت برای لزوم و ایراد آن ۱۰۰
- ۷۸- طرفین در اسباب لزوم اختلاف کنند ۱۰۱
- ۷۹- بر نماءات منفصل نمی‌توان رجوع کرد ۱۰۲
- ۸۰- قرض معاطاتی ۱۰۳
- ۸۱- در غیر نکاح و طلاق معاطات در همه عقود جاری است ۱۰۵
- ۸۲- حکم معاطات در صورت دوم در سایر عقود ۱۰۶
- ۸۳- صیغه در عقود برای ایجاد لزوم است ۱۰۸
- ۸۴- نخستین کسی که معاطات را بحث کرده است ۱۰۹
- ۸۵- معاطات قرض با معاطات بیع فرق دارد ۱۱۰
- ۸۶- معاطات بیع هیچ یک از آثار بیع را ندارد ۱۱۱
- ۸۷- روایات بیع شامل معاطات نیست ۱۱۲
- ۸۸- فعل هیچ‌گونه صلاحیتی برای انشاء عقد ندارد ۱۱۳
- ۸۹- به معاطات بیع گفتن مسامحه در احکام شرع است ۱۱۵
- ۹۰- معاطاتی که مردم انجام می‌دهند می‌توانیم بگوییم که مفید یا مضر است ۱۱۶
- ۹۱- بیع با صیغه مخصوص یقیناً صحیح است ۱۱۷
- ۹۲- هر کدام از بیع و شری دو معنی دارند ۱۱۸
- ۹۳- به کار بردن بیع و شری به جای هم ۱۱۹

- ۹۴- به کار بردن ملکّت در ایجاب ۱۲۰
- ۹۵- اشکال و جواب در مورد ملکّت ۱۲۱
- ۹۶- ایجاب بیع منحصر در الفاظ مخصوصی نیست ۱۲۳
- ۹۷- آیه اوفوا مخصوص عقد معین است ۱۲۵
- ۹۸- الفاظ بیع باید صریح باشد ۱۲۶
- ۹۹- به کار بردن سلم برای بیع نقد ۱۲۷
- ۱۰۰- گفته شده بیع با مجازات منعقد نمی‌شود ۱۲۸
- ۱۰۱- در مجاز فرقی میان مجاز قریب و بعید نیست ۱۲۹
- ۱۰۲- مطالبی که برای ایجاب گفتیم در قبول هم جاری است ۱۳۰
- ۱۰۳- صیغه بیع باید به عربی باشد ۱۳۱
- ۱۰۴- با غیر عربی هم جایز است ۱۳۲
- ۱۰۵- اشاره در صورت عذر ۱۳۳
- ۱۰۶- حرکت دادن زبان برای لال ۱۳۵
- ۱۰۷- عقد بیع با عربی غلط ۱۳۶
- ۱۰۸- ایجاب و قبول باید با صیغه ماضی باشد ۱۳۷
- ۱۰۹- بیع باید منجز باشد ۱۳۹
- ۱۱۰- تعلیق لفظی باشد ۱۴۰
- ۱۱۱- تقدم ایجاب بر قبول ۱۴۱
- ۱۱۲- تقدم قبول بر ایجاب بدون اشکال است ۱۴۲
- ۱۱۳- در موالات عرف حاکم است ۱۴۳
- ۱۱۴- تطابق ایجاب و قبول لازم است ۱۴۴
- ۱۱۵- منال‌هایی که تطابق نیست ۱۴۶
- ۱۱۶- آثار بیع فاسد ۱۴۷
- ۱۱۷- فرق بیع فاسد و معاطات ۱۴۸

- ۱۱۸- در بیع فاسد نه اجازه مالک است و نه اجازه شروع ۱۴۹
- ۱۱۹- بیع فاسد مانند غصب است ۱۵۰
- ۱۲۰- قاعده مایضمن بصحیحه ۱۵۱
- ۱۲۱- طرفین چه عالم باشند و چه جاهل ۱۵۳
- ۱۲۲- قاعده مالایضمن ایراد دارد ۱۵۴
- ۱۲۳- شروط بیع ۱۵۶
- ۱۲۴- شروط متعاقدین معامله غیربالغ ۱۵۷
- ۱۲۵- استدلال برای بطلان معاملات صغیر ۱۵۹
- ۱۲۶- استدلال برای صحت آن ۱۶۱
- ۱۲۷- سیره دلالتی بر صحت معامله صغیر ندارد ۱۶۲
- ۱۲۸- طفل در معامله وسیله باشد ۱۶۳
- ۱۲۹- پاسخ از صحت معاملات صغیر ۱۶۵
- ۱۳۰- معاملات دیوانه ۱۶۶
- ۱۳۱- بیع بی هوش و مست ۱۶۷
- ۱۳۲- لزوم قصد در بیع ۱۶۸
- ۱۳۳- بیع مکره ۱۷۰
- ۱۳۴- استدلال بر بطلان آن ۱۷۱
- ۱۳۵- دلیل صحیح بودن آن ۱۷۳
- ۱۳۶- مکره قصد نداشته باشد ۱۷۵
- ۱۳۷- طرف غیره مکره نمی تواند آن را فسخ کند ۱۷۶
- ۱۳۸- اگر دیگری بر عقد خواندن اکراه شود ۱۷۷
- ۱۳۹- اکراه به حق اکراه نیست ۱۷۸
- ۱۴۰- معاملات برده نافذ نیست ۱۷۹
- ۱۴۱- معاملات برده باطل نیست ۱۸۰

- ۱۴۲- معامله برده را مالک اجازه داد ۱۸۱
- ۱۴۳- از شروط متعاقدين مالک بودن است ۱۸۳
- ۱۴۴- دخالت حاکم و نماینده او و مؤمنین عادل ۱۸۴
- ۱۴۵- معامله فضولی نیاز به اجازه دارد ۱۸۵
- ۱۴۶- معامله فضولی مطابق قاعده است ۱۸۶
- ۱۴۷- استدلال برای صحت آن ۱۸۷
- ۱۴۸- پاسخ از برخی اشکالات ۱۸۸
- ۱۴۹- برای صحت آن نیازی به آیه اوفوا نیست ۱۸۹
- ۱۵۰- استدلال با سیره ۱۹۰
- ۱۵۱- دلیلی بر مباشرت مالک در ایجاب و قبول نیست ۱۹۱
- ۱۵۲- استدلال با ادله نکاح فضولی ۱۹۳
- ۱۵۳- استدلال با خبر عروه بارقی ۱۹۴
- ۱۵۴- رد اشکالات حدیث مزبور ۱۹۶
- ۱۵۵- استدلال با روایات دیگر ۱۹۷
- ۱۵۶- فضولی در ایقاعات و اعمال حقوقی ۱۹۹
- ۱۵۷- قائلین به بطلان فضولی ۲۰۱
- ۱۵۸- رد دلایل بطلان ۲۰۲
- ۱۵۹- روایات بطلان فضولی ۲۰۳
- ۱۶۰- پاسخ از ادله مانعین ۲۰۵
- ۱۶۱- ملک دیگری با بکشد و سپس مالک آن شود ۲۰۶
- ۱۶۲- جواب از مالیس عندک ۲۰۷
- ۱۶۳- چیزی که ندارد بفروشد ۲۰۸
- ۱۶۴- روایت لاتبع به بطلان فضولی دلالت ندارد ۲۰۹
- ۱۶۵- پاسخ از روایات دیگر ۲۱۰

- ۱۶۶- اجازه در فضولی کاشف است ۲۱۰
- ۱۶۷- پس از اجازه کار فضولی مانند کار وکالت است ۲۱۲
- ۱۶۸- استدلال بر کاشف بودن اجازه ۲۱۳
- ۱۶۹- ظاهر روایت عروه بارقی نیز کاشف بودن است ۲۱۴
- ۱۷۰- ازدواج پسر و دختر صغیر نیز به کاشف بودن دلالت دارد ۲۱۵
- ۱۷۱- رضایت مالک در فضولی شرط متأخر است ۲۱۶
- ۱۷۲- جواب از ایراد کشف ۲۱۷
- ۱۷۳- تا مالک رضایت خود را اعلام نکرده نقل و انتقال انجام نشده است ۲۱۸
- ۱۷۴- اگر معصوم از رضایت مالک خبر دهد ۲۱۹
- ۱۷۵- کشف به یکی از سه صورت است ۲۲۰
- ۱۷۶- ثمره دو قول کشف و نقل ۲۲۱
- ۱۷۷- اگر مبیع معیوب بود ۲۲۳
- ۱۷۸- اگر قبل از اجازه یکی از آنان از قابلیت اجازه خارج شود ۲۲۴
- ۱۷۹- اگر مبیع موقع عقد ملک نبوده موقع اجازه ملک باشد ۲۲۵
- ۱۸۰- و ثمرات دیگر از جمله شفعه و خيارات ۲۲۶
- ۱۸۱- معاملات مترتیب بر فضولی ۲۲۷
- ۱۸۲- اگر بر ثمن آن معاملاتی انجام شود ۲۲۹
- ۱۸۳- سکوت اجازه نیست ۲۳۱
- ۱۸۴- در اجازه لفظ مخصوصی لازم نیست ۲۳۲
- ۱۸۵- برای رد لفظ لازم نیست ۲۳۳
- ۱۸۶- اگر قبل از بیع فضولی را نهی کند ۲۳۵
- ۱۸۷- رضایت مالک ممکن است مقدم یا همراه با معامله باشد ۲۳۶
- ۱۸۸- بیع تلجنه (بیع صوری) مانند فضولی است ۲۳۷
- ۱۸۹- بیع مکره بر دو قسم است ۲۳۹

- ۱۹۰- فضولی باید اجازه دهنده فعلی داشته باشد ۲۴۰
- ۱۹۱- مالک قبل از اجازه بمیرد ۲۴۱
- ۱۹۲- اشکالاتی بنا به کشف ۲۴۲
- ۱۹۳- عقد فضولی باید اجازه دهنده داشته باشد ۲۴۳
- ۱۹۴- به عقیده امامیه هر زمانی اجازه دهنده هست ۲۴۴
- ۱۹۵- اجازه دهنده نداشته باشد هم صحیح است ۲۴۵
- ۱۹۶- بعداً معلوم شود و مال خودش بوده ۲۴۷
- ۱۹۷- اجازه عقد اجازه قبض نیست ۲۴۸
- ۱۹۸- اگر مالک اجازه نداد ۲۴۸
- ۱۹۹- اگر فضولی بودن را نمی‌دانست ۲۵۰
- ۲۰۰- نسبت به منافع ۲۵۱
- ۲۰۱- استدلال برای رجوع به عین و منافع ۲۵۳
- ۲۰۲- روایتی در این مورد ۲۵۴
- ۲۰۳- پاسخ از صاحب حدائق ۲۵۵
- ۲۰۴- خسارتی که نداده نمی‌تواند بگیرد ۲۵۷
- ۲۰۵- اجرت کارهایی که خودش انجام داده است ۲۵۸
- ۲۰۶- اگر خریدار عالم به فضولی بود ۲۵۹
- ۲۰۷- به قولی ثمن را هم نمی‌تواند بگیرد ۲۶۰
- ۲۰۸- فرق در ثمن میان تلف و غیر تلف ۲۶۲
- ۲۰۹- استدلال برای عدم رجوع ۲۶۳
- ۲۱۰- قاعده عدم رجوع در بیع فاسد جاری نیست ۲۶۴
- ۲۱۱- خریدار فضولی با فروشنده شرط کند ۲۶۵
- ۲۱۲- معامله غاصب هم فضولی است ۲۶۶
- ۲۱۳- مالک در صورت اجازه ثمن از خریدار می‌گیرد ۲۶۷

- ۲۶۸..... ۲۱۴- اگر غاصب ثمن را گرفته و تلف شده است.
- ۲۷۰..... ۲۱۵- اگر مال خود را با دیگری یکجا بفروشد.
- ۲۷۱..... ۲۱۶- روایات در مسأله
- ۲۷۲..... ۲۱۷- ردّ بر شافعی
- ۲۷۴..... ۲۱۸- در این مسأله شریک چند نفر و خریدار چند نفر باشد تفاوتی نیست
- ۲۷۵..... ۲۱۹- نقل عقیده شیخ و ردّ آن
- ۲۷۶..... ۲۲۰- طرز تقسیط ثمن
- ۲۷۸..... ۲۲۱- آنها را با هم قیمت نمی گذارند
- ۲۷۹..... ۲۲۲- محاسبه در چیزهایی که جفت است
- ۲۸۰..... ۲۲۳- ایراد به گفته فقها و ردّ آن
- ۲۸۱..... ۲۲۴- تقویم در چیزهایی که جفت هستند
- ۲۸۲..... ۲۲۵- مالکین متعدد باشند غاصب هیأت اجتماع را ضامن نیست
- ۲۸۳..... ۲۲۶- اگر هر دو مال یکنفر بود
- ۲۸۵..... ۲۲۷- خریدار خیار تبعض صفقه دارد
- ۲۸۶..... ۲۲۸- فروشنده چنین خیاری ندارد
- ۲۸۷..... ۲۲۹- اگر چیزی را فروخته از مال خود فروخته است
- ۲۸۸..... ۲۳۰- اگر نصف چیزی را مالک بوده و نصف آن را فروخته است
- ۲۸۹..... ۲۳۱- اقرار به نصف به معنی اشاعه است
- ۲۹۰..... ۲۳۲- اگر یکی از دو برادر بر برادری ثالثی اقرار کند
- ۲۹۱..... ۲۳۳- باب اقرار مطابق قاعده است
- ۲۹۳..... ۲۳۴- مالی را که زکات دارد بفروشد
- ۲۹۴..... ۲۳۵- سرکه و شراب را با هم بفروشد
- ۲۹۵..... ۲۳۶- این بیع غرری نیست
- ۲۹۷..... ۲۳۷- فروض قابل تملک با غیرقابل تملک

- ۲۳۸- قیمت‌گذاری آزاد به فرض برده بودن..... ۳۹۸
- ۲۳۹- نقل کلام شهید و کرکی..... ۳۹۹
- ۲۴۰- ولایت پدر و جد پدری ۳۰۱
- ۲۴۱- این ولایت با رسیدن به بلوغ و رشد قطع می‌شود..... ۳۰۲
- ۲۴۲- اگر پس از بلوغ و رشد محجور شد..... ۳۰۳
- ۲۴۳- پدر و جد پدری هر دو طرف عقد را می‌توانند انجام دهند..... ۳۰۴
- ۲۴۴- مخالفی نیست سیره هم آن را تأیید می‌کنند..... ۳۰۵
- ۲۴۵- تصرفات وکیل تا موکل زنده است..... ۳۰۶
- ۲۴۶- موارد از بین رفتن وکالت..... ۳۰۷
- ۲۴۷- مستی و جنون بی‌هوشی طولانی موجب بطلان عقد جایز است..... ۳۰۸
- ۲۴۸- فرق رد و بطلان با خروج از قابلیت..... ۳۰۹
- ۲۴۹- سمت زایل شده برنمی‌گردد..... ۳۱۱
- ۲۵۰- آیا وکیل می‌تواند هر دو طرف عقد را انجام دهد یا نه؟..... ۳۱۲
- ۲۵۱- اقدام وکیل خارج از وکالت..... ۳۱۳
- ۲۵۲- روایاتی در این مورد..... ۳۱۴
- ۲۵۳- وکالت از خود شخص انصراف ندارد..... ۳۱۵
- ۲۵۴- پاسخ از روایات..... ۳۱۶
- ۲۵۵- گوینده و شنونده داخل در خطاب نیستند..... ۳۱۷
- ۲۵۶- وکیل می‌تواند موجب و قابل باشد..... ۳۱۹
- ۲۵۷- پاسخ از استدلال مخالفین..... ۳۲۰
- ۲۵۸- وکالت شامل خود وکیل نیز هست..... ۳۲۱
- ۲۵۹- تصرفات وصی پس از فوت مشخص است..... ۳۲۲
- ۲۶۰- وصی هر دو طرف عقد را می‌تواند انجام دهد؟..... ۳۲۳
- ۲۶۱- در قرض گرفتن از مال یتیم..... ۳۲۵

- ۲۶۲- تصرفات حاکم و نماینده او..... ۳۲۶
- ۲۶۳- صغیر مقلس شود..... ۳۲۷
- ۲۶۴- حاکم ولی من لا ولی له است..... ۳۲۸
- ۲۶۵- مشتری باید در برده مسلمان مسلمان باشد..... ۳۲۹
- ۲۶۶- برده مسلمان را به کافر می توان فروخت..... ۳۳۱
- ۲۶۷- مالک شدن با ادامه مالکیت فرق دارد..... ۳۳۳
- ۲۶۸- برخی گفتند امام حسین کشته نشده است..... ۳۳۴
- ۲۶۹- در معنی آیه لن يجعل الله..... ۳۳۵
- ۲۷۰- کافر از طریق ارث می تواند مالک برده مسلمان شود..... ۳۳۶
- ۲۷۱- برده مسلمان را از تصرف کافر خارج می کنند..... ۳۳۷
- ۲۷۲- قرآن هم مانند برده مسلمان است..... ۳۳۸
- ۲۷۳- کتب حدیث و کتاب های فقهی احتمال دارد مانند قرآن باشند..... ۳۴۰
- ۲۷۴- موارد جواز فروش قرآن..... ۳۴۱
- ۲۷۵- موقع طوفان برخی از نصاری به تربت امام حسین توسل می جویند..... ۳۴۲
- ۲۷۶- فروش مقدسات دیگر به کافر..... ۳۴۳
- ۲۷۷- فروش برده مسلمان به کافر با شرط آزاد کردن..... ۳۴۵
- ۲۷۸- کل مولود یولد علی الفطره..... ۳۴۷
- ۲۷۹- اگر ام ولد کافر مسلمان شد..... ۳۴۸
- ۲۸۰- ام ولد را هم می فروشند..... ۳۴۹
- ۲۸۱- ام ولد را نمی فروشند..... ۳۵۱
- ۲۸۲- شرایط مبیع..... ۳۵۲
- ۲۸۳- مبیع باید ملک فروشنده باشد و مالیت داشته باشد..... ۳۵۳
- ۲۸۴- شرط دیگر بیع مبیع باید قابل تملک باشد..... ۳۵۵
- ۲۸۵- مباحات را نمی توان فروخت..... ۳۵۷

- ۲۸۶- آن چیز باید نفع عقلایی داشته باشد ۳۵۹
- ۲۸۷- یک دانه گندم هم مالیت دارد ۳۶۰
- ۲۸۸- در فروش اراضی مفتوحة عنوة ۳۶۱
- ۲۸۹- روایات در این مسأله ۳۶۲
- ۲۹۰- اقوال فقها ۳۶۴
- ۲۹۱- فروش زمین خراجی به تبع اعیانی ۳۶۵
- ۲۹۲- توجیه روایات فروش ۳۶۹
- ۲۹۳- فروش خانه‌های مکه ۳۷۳
- ۲۹۴- استدلال بر جواز فروش ۳۷۵
- ۲۹۵- اجاره دادن خانه‌های مکه ۳۷۶
- ۲۹۶- کرایه منازل را باید داد ۳۷۷
- ۲۹۷- معادن مال مالک زمین است ۳۷۹
- ۲۹۸- مباحات برای همه مباح است ۳۸۱
- ۲۹۹- پایان جلد دوم تجارت ۳۸۱
- ۳۰۰- فهرست‌های عمومی ۳۸۳
- ۳۰۱- اسامی مقدس ۳۸۴
- ۳۰۲- آیات کریمه ۳۸۵
- ۳۰۳- روایات وارده ۳۸۷
- ۳۰۴- اعلام ۳۹۰
- ۳۰۵- شرح اعلام ۳۹۴
- ۳۰۶- منابع ۴۲۶
- ۳۰۷- شرح منابع ۴۳۰
- ۳۰۸- مواد قانونی ۴۵۸
- ۳۰۹- کتاب‌هایی که در تعلیقات از آنها استفاده شده است ۴۶۱